



سینمای ایران (برونده فیلم خروج)

روزنامه صبح ایران | سال چهارم | شماره ۲۴۵ | نشه ۲۲ فروردین ۱۳۹۱

اعتراض‌ارافریاد می‌زند

از فردا «خروج»؛ ابراهیم حاتمی‌کیا به شکل آنلاین اکران می‌شود. به همین بهانه گفت‌وگو کرده‌ایم با جها‌نگیر الماسی یکی از بازیگران فیلم. در پرونده هفت‌صبح همچنین می‌توانید سرنوشت ۹ معترض سینمای حاتمی‌کیا را ببخارینید: از امیر «وصل نیکان» تا رحمت «خروج»

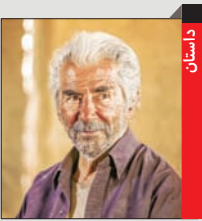
وحید سعیدی – احمد نجیر هفت‌صبح

خبر را می‌دانید: تعطیلی سالن‌های سینما ادامه دارد و یکی از راکهارها، نمایان فیلم‌ها به شکل آنلاین است. از فردا «خروج» مثبت‌متفقد است این شیوه اکران، ماهیت واقعی فیلم‌ها و میزان مخاطبان‌شان را عیان می‌کند. گمانه‌ها این است: صاحبان فیلم‌ها از این طرح نه تنها معترض نمی‌شوند که نفع هم خواهند برد. این وسط سینماداران و مشاغل جانبی سینما مثل رستوران‌ها و… است که ضرر می‌بینند. به هر حال پرونده امروز هفت‌صبح به فیلم «خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا اختصاص دارد. با جها‌نگیر الماسی بازیگر آن گفت‌وگو کرده‌ایم و در ستون کنار سراسر ۱۲ شخصیت سینمای حاتمی‌کیا گفته‌ایم که مشخصه آنها اعتراض است. رحمت بازی فرامرز در بیان چهره معترض «خروج» محسوب می‌شود.

پیش‌درآمد

داستان یک خروج

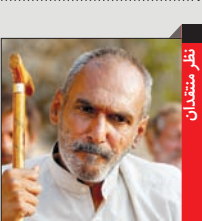
با چه فیلمی از ابراهیم حاتمی‌کیا مواجه هستیم؟



«خروج» داستان گروهی از کنشوارزان روسی را روایت می‌کند که شرکت سپاهی نظامی حکیم عبدالنور به شور به اشتباه ابراب را رها کرده‌زمین‌های کشاورزی آنها می‌کند و باعث خرابی تمامی محصولات آنها می‌شود. آنها پس از آن که از طرف مسئولان سده، دهیار، بخندار و امام جمعه قوم به حل مشکل‌شان نمی‌شوند، تصمیم می‌گیرند که نزد رهبر جمهوری بروند و مشکل‌شان را او در میان بگذارند. این گروه با تارکوتز از روسای خود به سمت تهران می‌آید و شوند و طوفانی می‌کشد که خبر سران آنها در تمام رسانه‌ها پخش می‌شود و این موضوع باعث ایجاد محبوبیت و مخالفتی برای آنها می‌شود.



ابراهیم حاتمی‌کیا نقش اول مرد را به فرامرز فریبیان و نقش اصلی زن را به پانته آیانهای‌ها سپرد. جها‌نگیر الماسی‌مقام فریبیان، کامیوز دیزپاز،گیتی قاسمی،محمدرضا یزدینی‌نیا، محمد قلبی و وحید قنبر دیگر بازیگرانی هستند که در فیلم حضور دارند. این فیلم در ۲۰۱۰ میلادی در جشنواره گلدن گلوب نمایش داده شد و در آن جشنواره برنده جایزه بهترین فیلم خارجی‌زبان شد.



خروج در جشنواره فجر مورد توجه برخی منتقدان قرار گرفت و عده‌ای آن را فیلمی معیفر در کارنامه ابراهیم حاتمی‌کیا قلمداد کردند. مثلا حسین تقیپور معتقد است که خروج کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا بسیار فاصله دارد. سید سعید مستفقد است که درنماهیه خروج، اعتراض منطقی، آرام و متین است.



ارچه مشخص است این که «خروج» برخلاف آراخته‌های دیگر ابراهیم حاتمی‌کیا مورد توجه مخاطبان قرار نگرفت. حداقل در جشنواره فجر اینگونه نشد اما نیک‌نویان میزان تاثیر گذاری حاتمی‌کیا را نادیده گرفت. در میان کلماتی‌ها که با سایت سینما سینما می‌بینیم یکی نوشته:«عاقایلیف ضعیفی بود در حته لیلیهای تلویزیونی. اما لایحه‌های سینمایی درش وجود نداشت.»دیگری اما پاسخ داده:«کسانی‌لیف فیلم خروج واقعا باقی نماند و آن‌ها نظر که توانست حداقل دایلوگ شخصیت را برداخت کرد و بدانه محرک داستان و معرفی کند. حاتمی‌کیا اجازه داده ی که هر بازیکی از کمیدی نوی فیلم‌های باشد.»

جها‌نگیر الماسی مدت‌ها از سینما دور بود. او سال ۹۲ فیلم سینمایی «فرنج و سرستی» را ساخت که اکران نشد. سال ۹۵ در «کتابه» کلیاتوی عیاری حضور یافت که تکلیف اکران این فیلم نیز نامشخص است. الماسی بازی در نقش «خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا بازی کرد؛ در نقش میکائیل که با منش شخصیت اول فیلم یعنی رحمت مشکل دارد. او می‌گوید چرا برای نمایش اعتراض باید دسته‌جمعی به سمت تهران راه بیفتند. الماسی پیش از همه از حاتمی‌کیا تشکر می‌کند و به‌طور ضمنی از کسانی دلقور است که در این دوره‌ی از سینما به پادشاهی نپوده‌اند. من به کار ابراهیم حاتمی‌کیا و گروه تولید «خروج» مدیونم و این را هرگز فراموش نخواهم کرد. چون من در شرایطی به این کار دعوت شدم که خیلی برایم ازبنده بود. از او و آقای حاتمی‌کیا میمانم، صادقانه و از کنه وجود سبک‌گرا می‌گویم که مرادنه دست من را قشر نند.»

نمی‌دانستم سرنوشت شخصیت‌ها چه می‌شود
«چیزی که در «خروج» جالب توجه است این است که شما لیل شما حاتمی بی‌شوخی و جدی دارد. حواسشان هست که شخصیت میکائیل را آسیب نرسانند. از نغدی به رویه رحمت می‌بیند و معلمت‌اش نیستی می‌کند. لابد دلایل خود را داد. چقدر مواظبت کردید تا شخصیت مورد نظر کارگردان را مایه‌دمتری روی روی به بیننده؟»
«مخاطب واقع‌بینانند می‌بینند که سینما ما ظرفیت این را دارد که این تعامل‌ها با تحلیل روانشناختی و تصویری اندازه‌ش نام و… به‌دست بیاید نه این ظرفیت‌ها برای افرادی که در سینمای ایران فعل مستند، تعریف شده‌است. چون ۹۰ درصد فیلم‌ها، یا در باخات متکی است یا به‌فیزیک و رنگ و ماب و چهره و مو و پوستی و بدنلی آدم‌ها اتکا دارد. وقتی به مقاومت می‌نشینیم، بیشتر سلیقه‌ها و تزیانات و گرایش‌های فردی حاتمی‌کیا اصول و شناخت، این را حسب تجربه‌ام می‌گویم. درباره شخصیت میکائیل فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا چه‌بانی که شما فرمودید، برابر جالب است. چون من خودم تعداد پلان‌های شخصیت را وقتی شمردم دیدم ۱۰۰ پلان حضور دارد. از آن ۱۰۰ پلان ۱۰ تا ۱۲ لنگش‌های است که همه هستند. می‌ماند هشت پلان. که از این تعداد، شش یا پان‌های لنگش‌ها یا سدوم لنگش‌ها است. می‌ماند دوپلان که نوشت‌است. شوپاری و زیرکی شما در چیست که این حرف‌ها را پرسید؟»
شاید بخترامی از آن است که ما خبر نگارها شما را خوب می‌شناسیم و صحبت‌ها شناخت قبلی با هدف بیشتر بازی‌تان را می‌بینیم.

این صحبت‌ها شنیدم. است و واقعت این واقعت این است، ملاحظور که عرض کردم ما بیشتر مروه شخصیت‌های فردی هستیم. من حضور در این اصراف و صدها به خود ابراهیم حاتمی‌کیا واگذار کردم. فیلمنامه‌ای که داشتیم کامل نبود و تا آخر روز نمی‌دانستم سرنوشت شخصیت‌ها چه می‌شود و به همین خاطر پانزده رجه تصمیم با خود کارگردان باشد. در این فیلم همه شخصیت‌ها دیده شده‌اند تا شخصیت رحمت فرامرز (فریبیان) جلوه‌کند. رحمت هم در ارتباط با این شخصیت‌ها است که می‌تواند بازی‌نگی، جلوه و جذابیت داده شود. دقیقا مثل کاری است که شما در روزنامه می‌کنید. من خودم روزنامه‌نویس بودم و مثال مطبوعاتی می‌زنم. زمانی که خودم مشغول این کار بودم از نظر بصری الگوی جمله مثال بودم. به هر حال شما ممکن است ۱۰۰ تا مطلب و عکس فوق‌العاده زیبا را فریانی کنید فقط برای این که این تیزر جلوه کند. در فیلم هم همین‌است. ممکن است ۱۰۰۰ اکتراکتر را بهم بریزی تا یک

خاطرات خانه خسرو

خروج روایت‌های الماسی از جنبه‌هایی که در تخت طایرس هنر

می‌بوخته است

بخشش از گفت‌وگو با جها‌نگیر الماسی به فرامتن گذشت. برستی جانبی مطرح شد که در سال‌های اخیر فرانت‌های مختلفی درباره ابراهیم حاتمی‌کیا می‌شود. الماسی به‌جای تحلیل حاتمی‌کیا از خودش دنبال زد که در دوران گذشته فعالیت‌های حرفه‌ای در جنبه‌های سینمایی خورده‌است. حتما می‌توان گفت که یکی از موارد شاخ آن انتساب به رئیس جمهوری سابق است و… الماسی در خلال توضیح گفتی که بدگفته‌اش زد. او آدم‌هایی گفت که در آن‌ها حاضر و نشر داشته‌است که موبد عدم می‌بینند او به یک جریان فکری خاصی است.



فیلم خروج جعبه سیاه دارد!

همراه با جها‌نگیر الماسی که در فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا بعد از مدت‌ها دوری به سینما باز گشته است.

گفت‌وگوی او با هفت‌صبح درباره شخصیت میکائیل، دنیای حاکم بر خروج و چند مسئله دیگر را بخوانید. این بازیگر درباره حواشی سال‌های اخیر خود هم توضیح داده‌است

شخصیت جلوه‌کند.

بله، مثلا کارگردانی چون ناصر تقوایی به همه شخصیت‌ها به شکل تک‌تک می‌پردازد و به ۱۰ شخصیت می‌چیند و همه را فریانی می‌کند تا یکی جلوه‌کند. مثل کاری که در اکثر فیلم‌های پیش از انقلاب می‌شد. آن زمان این‌طور بود… دفتر روز و فریدین می‌آمدند تا شخصیتی که بازی می‌کند دیده‌شود. این کار شوش تضمین بود برای توقفت لیلی‌ها. در «خروج» این ظرفیت وجود نداشت که به تک‌تک آدم‌ها دیداری شود. بلکه باید بود به شخصیت و محت و قلب (باتما یا پناه‌ها) پرداخته شود. بنابراین یکسری بازیگر مطرح و پخته خوب استفاده شد تا رحمت جلوه‌کند.

حق‌طیای با آثار قبسیم؟

«رحمت می‌گوید حق‌تی باید ستانده شود و پیش‌شخص اول مملکت رویم. می‌توان این را سفسفر تا تمثیلی دیده‌! این تفکر جدا بخش از جامعه ما است! حق‌طیای واقعی است یا آرتیسم؟»
«این تقسیم‌بندی در سینمای ایران در این حدابر نمی‌فهمم. آرتیسمم را معمولا باار می‌بینم. در حالی‌که آرتیسیسم هرچ و مرج نمی‌فراود بلکه از آزاری استفاده می‌کند و برای دیگرین به هدفش یکسری راه‌ها یکپاره مد می‌شود و تاخری می‌بیند می‌گذارد. و بعد از آن چیز دیگری می‌آید یکپاره نمی‌شود همه می‌گویند «الکجری». کسی هم نیست که این که همان «لوکس» است. لوکس به هر طریقی در لوکس بود. در لوکس سینما چه‌بانی که اگر بخواهیم مجامله کنیم بر سر واژه، «خروج» و «جلطور می‌بینید؟»

«خروج» را باید یک فیلم سینمایی یکی از ستولان سر صحنه می‌تفک این یک وسترن ایرانی است. گفتن سرنوشت برای یعنی یکی و وسترن زندگی غربی: زندگی غربی ایرانی یعنی چی؟ اگر برای وسترن یک شخصه سینمایی قائل هستیم، این وقت برود سینما چه‌بانی لازم دارد. اسب می‌خواهد، گاو می‌خواهد، ششول می‌خواهد و… من فیلمی را آدمی کار کردم که بسیار بسیار باهوش است. هوش ابراهیم حاتمی‌کیا یعنی این که خوب می‌تواند از فضای پیرامون خود برای رسیدن به اهدافش استفاده کند. خیلی خوب جامعه‌سیاسی‌اش را می‌شناسد و خوب می‌داند حساسیت این آدم‌ها چیست.

نقدار با میکائیل
«برگردید به لیلی‌ها، با شخصیت میکائیل جلطور مواجه شدید؟»
«وقتی ۱۰سعه فیلمنامه به دستم رسید و همکل عنوان نبود، یکی از کلید‌هایم برای ورود شخصیت نام آن است. از مکتب‌پهرام ریسمانی ۱۸ساله بود یاد گرفتیم که اسامی بپیوهد روی آدم‌ها اطلاق نمی‌شوند. بعدها که بزرگ‌گرفتیم و مطالعات روانشناختی‌ما شروع شد، فهمیدم اسم در تکون شخصیت یک اسان بسیار بسیار مهم است. من موقعی که فهمیدم اسم این شخصیت میکائیل است، برای آن ظرفیت‌های مختلفی در نظر گرفتم. مثلا میکائیل یکی از چهار فرشته است که دارای توانمندی‌هایی است که نمی‌تواند نادیده بگیرم. کارگردش در همان حد است و آقای حاتمی‌کیا پیش از این نمی‌خواند. بعدها فهمیدم میکائیل رئیس

رازهای کوچک جنگلی

گفته‌های الماسی درباره سریالی که از تقوایی به‌افخمی رسید

یکی از مباحث داغ سال گذشته، مجادله بهروز افخمی و داد‌پوش ارجمند برسر سرپال «کوچک جنگلی» بود. ارجمند ادعا کرد که بچه‌مذهبی‌ها کار را از دست ناصر تقوایی سرچ کرده و افخمی به پاسخ داد. آن‌جا که آنجا تک‌انگیز الماسی قرار بود در این سریال بازی کند، ماجرا از او پرسیدیم.

جها‌نگیر الماسی اینطور پاسخ می‌دهد: «مسئله مالی‌اش را نمی‌دانم همین قدر می‌دانم که گروه بهروز افخمی که آمدند بر آورد سرپال کم نشد که بیشتر هم‌شند. از آن طرف تهیه‌کننده سرپال «کوچک جنگلی» آقای جلابر بود که یکی از مذهبی‌ترین شخصیت‌های آن روزگار در تلویزیون و سینما محسوب می‌شود. پس مسئله سرپال تقوایی مذهب نمی‌تواند باشد. ایدئولوژی سرپال می‌توانست باشد.» الماسی درباره دو نقد مشهور درباره تقوایی فضای شمال را می‌شناخت. با این حال اصلا قرار نبود فضا شناخته شود چون نعمت حقیقی قرار بود بنشاند و خیلی خوب می‌شناخت به خصوص اینکه دستیارانش شمالی بودند. «الماسی اینطور ادامه می‌دهد: «این حرف‌ها تخریب تقوایی و افخمی است. تصویری که آقای تقوایی از چگونگی حاکمیت نیروهای مذهبی در سرپال داشت، ناظر بر موجودیت یک سیستم جدی در حوزه سیاست‌های جهانی بود که بر ایند آن ختی می‌توانست که سیدجمال‌الدین همدانی در آن باشد… هم آقای افخمی ناخنه بودند که آن جریان را بشناسند و هم آقای تقوایی ظرفتی طراحی کرده بود که او این حرف‌ها در آن گفته‌شود.» در این مصاحبه از الماسی درباره اکران فیلمش یعنی «فرنج و سرستی» هم پرسیدیم و گفتیم امکان اکران آنلاین آن وجود ندارد. «نه نمی‌شود چون الان تعریف ارتباط ایران و عراق یک چیز دیگر است. من زمانی این فیلم را ساخته که از تباط و دو کشور گرگ و میش بود. من بعث عراق را اگرگی دیده‌بودم که در زمان جنگ تجاوزها به مردم ما کرد. داستان تجاوز نظامیان صدام در دوران جنگ را فراموش نمی‌کنم. همه این‌ها برای گروه لیلید که اسنان نیتشدن از بین نمی‌رود. آنها مثل داعش، طالبان و بوکو حرام بشریت را به سرخه فرستادند و اوایه تک‌انگم منظوری بود.»

شورای منتفقه است. یعنی جایگاهی می‌رمد و دولت دارد. او برای خودش شادی قائل است که می‌داند منافع شخصی جمعی آدم‌ها چیست. به همین خاطر است که برخلاف بقیه که وقتی رحمت به سمت تهران راه می‌افتد، سوال دارد ولی خیلی از این پرسش‌ها به زبان نمی‌آید و همه را پدیی‌اش این است که در نگاه میکائیل متوجه پرستشگری می‌شویم.

«**کمان نگاه شیطنت‌آمیز…**»

شیطنت‌آمیز نیست. یک وجه آگاهی، شیطان است. این شیطان است که از حضرت الهی می‌رسد چرا انسان سراغ این درخت‌فا؟ شیطان است که هم‌ماش سوال دارد و ما به دلیل تربیت اجتماعی‌مان فکر می‌کنیم سوال داشتن منفی است. ما تحت تاثیر قیومت زور بودیم؛ رسم این بوده‌است که باید به علیحضرت همایونی تعظیم کرد و نباید سوال پرسید و فقط باید گفت چشم!

تکثر اعتراض؛ نگاه واقع‌بین

«میکائیل منتقد است. رحمت است و با بیان و نگاهش می‌گوید، چرا باید برای یک

مطالبه همه به سمت تهران و یا هدف دمدار رئیس جمهور شمال و کلاه کشند. به میکائیل همه به دیگران می‌گوید، متفکر مشترک شما چیست. اصلا فریبند رئیس‌جمهور، از متفکر تا بطور می‌خواهید تقسیم کنید؟ چرا باید آقای رئیس‌جمهور فقط رحمت اعتراض می‌فکر می‌کنیم سوال داشتن منفی است. ما تحت تاثیر قیومت زور بودیم؛ رسم این بوده‌است که باید به علیحضرت همایونی تعظیم کرد و نباید سوال پرسید و فقط باید گفت چشم!

به خاطر این که ما مردمی هستیم که دنبال فرگویی هستیم. ما با اختیار پیش رابطه برقرار می‌کنیم تا فوتبال. اگر برای فوتبال هم داد و فریاد راه می‌اندازیم از استراژی لذت نمی‌بریم. از برد و باخت لذت می‌بریم. حاتمی‌کیا علاقه‌مند به فوتبال است و دوست دارد تاکتیک و تکنیک وجود داشته باشد. او هیچ جنگ است و به نقشه علاقه دارد. دوست دارد سمت چه عملیات آبدایی باشد؛ در سمت راست هدفش را اجرا کند. این را می‌گویند نقشه و استراژی. میکائیل در مقابل رفتار نقد و نظری‌های او، منتها روش‌های میکائیل به‌ملاحظه فکری و فرهنگی با رحمت متفاوت است. این روش‌های رحمت نگاه‌های است‌کما این یک و یکپاره داد می‌زند. با نخوردیم سفسرا می‌کشد. از کلی‌فهمیدی تلخی با شما این که؟ البته یادمان نرود آقای رئیس‌جمهور در مزمرحمت نمی‌شنیدند، این را می‌چشم آشنایی‌نگاری پیش می‌آید ولی این‌ها جز چشم‌مانشایی به دور می‌ماند و خودش می‌دود یکی از باتسلب‌های حاتمی‌جالب است که یکی یکی بازی می‌شود. همه این‌ها باعث می‌شود فیلم نتیجه‌سایه باشد؛ دنبال تماچاش از طرف دیگر گفتوگون همیشه سایه به پاسخ برسد، نه این‌ها همه چیز جویده شده باشد.

کدام دوربین‌زدی؟

«رحمت می‌خواهد در این فیلم‌ها نقش‌های مهمی بر خاستان وجود داشته که می‌گفتند آقای الماسی دوربین‌زدی می‌کنی. می‌گفتند این بازی‌شما در نظر خودم بزرگ‌ترین تغییر کرد. این میکائیل است که می‌خواهد در این رحمت خودش را به پیش‌پایورد و بازیگر پیرو شخصیت خودش را بیشتر در معرض قرار می‌دهد. نظر خود شما چیست؟»
«در خدمت یکسوز در وزارت ارشاد بودیم. می‌گفتند بازیگر نمی‌کسی که بدسترس بود. بلند گفتیم فخرالدین اوزاعی (معاون وقت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) می‌چشم جرمی آندی؟ گفتند آقای اوزاعی بازیگر نمی‌کسی که دیده‌شود. توافق او با ما مدای این است که وقتی ۱۰سعه فیلمنامه به دستم رسید، همکل عنوان نبود، یکی از کلید‌هایم برای ورود شخصیت نام آن است. از مکتب‌پهرام ریسمانی ۱۸ساله بود یاد گرفتیم که اسامی بپیوهد روی آدم‌ها اطلاق نمی‌شوند. بعدها که بزرگ‌گرفتیم و مطالعات روانشناختی‌ما شروع شد، فهمیدم اسم در تکون شخصیت یک اسان بسیار بسیار مهم است. من موقعی که فهمیدم اسم این شخصیت میکائیل است، برای آن ظرفیت‌های مختلفی در نظر گرفتم. مثلا میکائیل یکی از چهار فرشته است که دارای توانمندی‌هایی است که نمی‌تواند نادیده بگیرم. کارگردش در همان حد است و آقای حاتمی‌کیا پیش از این نمی‌خواند. بعدها فهمیدم میکائیل رئیس

۹۰۶

خروج از معدود فیلم‌های ابراهیم حاتمی‌کیا است که در جشنواره فجر صاحب جوایز متعددی شده. این فیلم سال پیش در پنج رشته نایزود در بافت سرخ و جعبه‌های نین بازیگر مرد (فرامرز قریبیان) بود. در نهایت او سی‌وهفتم به‌دست آورد. بهترین چهره بازی و بهترین جلوه‌های ویژه بری.

۱۰۵

۱۱۴

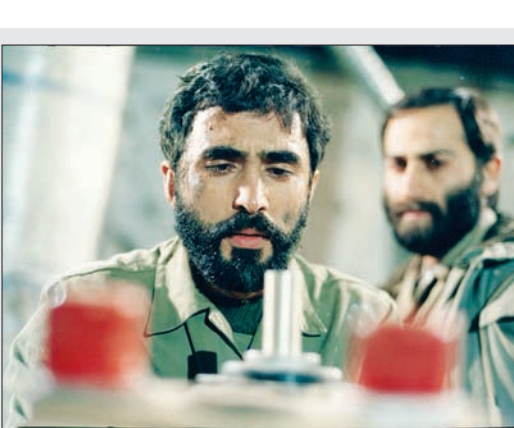
۱۰۲

۸۹

زبان سرخ ابراهیم

درباره ۹ شخصیت فیلم‌های حاتمی‌کیا که زبان اعتراض

این کارگردان در فیلم‌هایش بودند



امیر

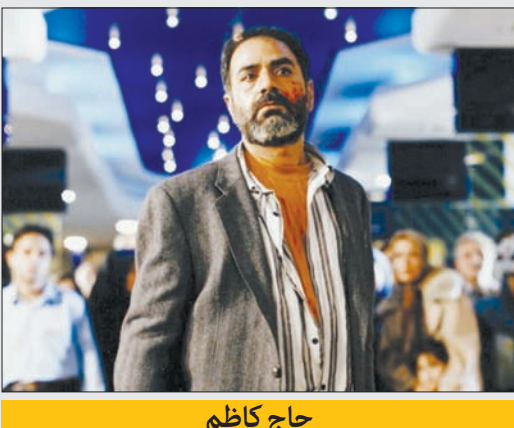
وصل نیکان | ۱۳۷۱

بازنگر | حسن یوسفی

موضعی که به آن معترض بود

از رزمندگان در تهران محرومان تا موشک‌های عمل‌شده را خنثی‌کنند. امیر با بازی حسن عباسی، فرمانده یکی از گروه‌های خنثی‌کننده موشک‌های عمل‌کرده است. او می‌خواهد در روزهایی که مردم تهران را به خاطر موشک باران یکی از هم‌راهان عراق در تخریب این کشور به سلاحه‌ها شمشلی است. او محسرسر می‌کند عکس‌عمل اعتراضی حاتمی‌کیا کرد؛ به برگزاری عروسی‌شان اصرار دارند.

ششاپیل اعتراض امیر پاسارجر برگزاری مراسم عروسی‌اش در تهران دعوت مهمانان اعتراضی را بر شرایط حاکم بر جامعه در دوران موشک‌باران فریاد می‌زند. او معتقد است که خالی‌کردن شهر، به‌نبوی خلی کردن سنگترا است. او بعد از دو فیلم دیدمان و مهاجر دوربین‌ش از دل کارخیزها به داخل شهر آورد تا روایت بخش دیگری از جنگ باشد. در واقع وصل نیکان دوره گذار حاتمی‌کیا از جعبه‌به‌شهر است که حاتمی‌کیا می‌کشد و با ناوقمی روپرو است. از همین رو وصل نیکان در همان دوره گذار در کارنامه حاتمی‌کیا جایگاه پیدا کرد.



حاج کاظم

آژانس شیشه‌ای | ۱۳۷۶

بازنگر | پرویز پرستویی

موضعی که به آن معترض بود بعد از پایان جنگ و شروع دوره سازندگی، آرام آرام و با فاصله گرفتن از دوران دفاع مقدس اولویت‌بندی‌ها تغییر کرد. ایامی و شگوهایی اقتصادی در راس امر قرار گرفت. در این زمینه با نگاه به رزمندگان دوران جنگ که هیچ شسته بودند تا کشور به ثبات و رفاه برسد تغییر کرد. بین آنها و جامعه همگام ایجاد شد و نسل جدید که به نسل موفقلاب معروف بود؛ با باورهای آنها ازویه پیدا کرد. «آژانس شیشه‌ای» واکنش اعتراضی حاتمی‌کیاست این شکاف و عواملی که باعث وقوع آن شده‌اند.

ششاپیل اعتراض از تلخ‌های که حاج قاسم، عباس را پیدا می‌کند. اعتراض حاتمی‌کیا به شرایط را (آرام می‌بینیم، آشفته‌گی که حال خروش است اما گمانه‌های هنوز به بیرون نتراب نشده لحظه انفجار می‌رسد. این‌ها در این رحمت خودش را به پیش‌پایورد و بازیگر پیرو شخصیت خودش را بیشتر در معرض قرار می‌دهد. نظر خود شما چیست؟»

حاج کاظم اختلاف نسل جنگ و نسل موفقلاب. عباس را پیدا می‌کند. اعتراض حاتمی‌کیا به شرایط را (آرام می‌بینیم، آشفته‌گی که حال خروش است اما گمانه‌های هنوز به بیرون نتراب نشده لحظه انفجار می‌رسد. این‌ها در این رحمت خودش را به پیش‌پایورد و بازیگر پیرو شخصیت خودش را بیشتر در معرض قرار می‌دهد. نظر خود شما چیست؟»



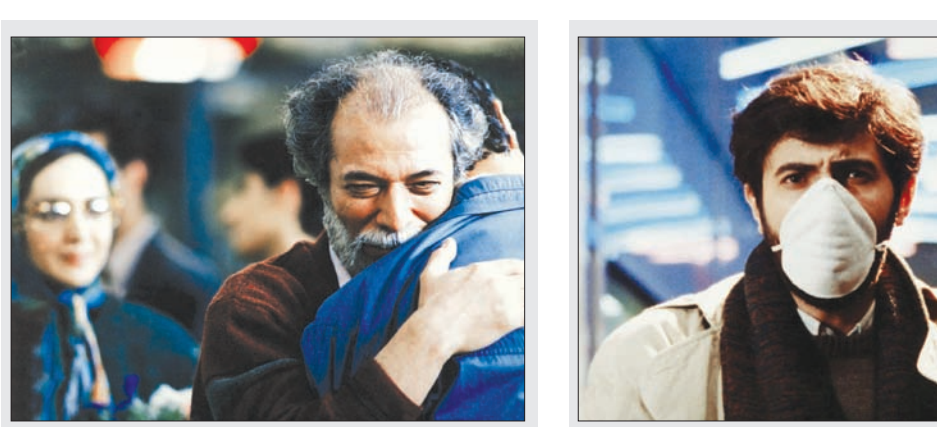
شهید وصالی

چ | ۱۳۹۲

سینمای ایران (برونده فیلم خروج)

روزنامه صبح ایران | سال چهارم | شماره ۲۴۵ | نشه ۲۲ فروردین ۱۳۹۱

یکی از شاخصه‌های سینمای حاتمی‌کیا، زبان اعتراضی او در آثارش است. سینمای حاتمی‌کیا، سینمای واکنشی است، او همیشه‌سیست به اتفاقات روز جامعه واکنش نشانان داده و هر فیلمش بازتابی است از همه وقایعی که جامعه درگیر آن بوده و با مرور هر یک از این فیلم‌ها مخاطب متوجه می‌شود که در دوره‌ای که زندگی حاتمی‌کیا آن را ساخته، چه موضوعاتی در راس توجهات بوده و وقایع جالب‌معرفی و حوش آن موضوع با موضوعات تحلیل و بررسی می‌شده‌است. نگاه حاتمی‌کیا هم در همه این فیلم‌ها نگاهی اعتراضی به او واقع بود. قهرمان‌هایش زبان او برای فریاد این اعتراض بودند، اعتراض‌های او از «وصل نیکان» فریاد زده شده تا «ان که نوبت به «خروج» رسیده‌است.



سعید

از خرگه تا راین | ۱۳۷۱

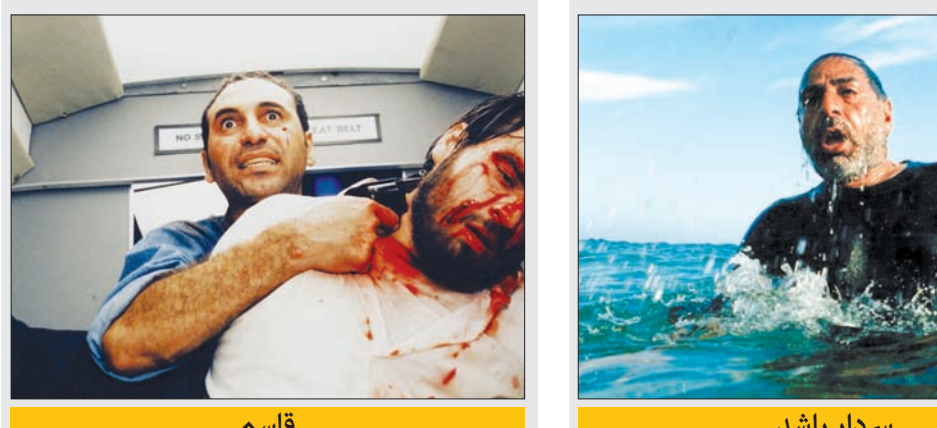
بازنگر | علی دهکردی

موضعی که به آن معترض بود پس از پایان جنگ تحمیلی، بنیاد

شهدک در آن زمان سرمدی‌گی به‌امور جانبازان هم در دستور کارش قرار داشت. طبق اولویت بررسی پرونده‌های پزشکی جانبازان آنها را جهت معالجه به آلمان اعزام می‌کرد. این اتفاق در حالی می‌افتاد که مشخص شدیات در ایور نادر و همیشه ششم انتظار بازگشت فرزندش چشم شمشلی است. از خرگه تا راین در واقع عکس‌عمل اعتراضی حاتمی‌کیا به این دوگانگی بود.

ششاپیل اعتراض سعید اما بعد از بهبودی چشمش منقرض می‌شود که به خاطر عوارض ناشی از بمب‌های شیمیایی، مبتلا به سرطان خون است. به همه کسانی که منتظر این انتظار او برای بازگشت یوسف نادر ندراند اما اوج این اعتراض جانی است که دایب یونس بالای سر فریب یوسف می‌رود فریاد اعتراض می‌دهد.

حاج کاظم در کارنامه حاتمی‌کیا فیلم آنسوری که باید از طرف جشنواره مسود قجره قرار گرفت اما در بیسن منتقدان و به خصوص عامه مردم جزو فیلم‌های محسوب کارنامه حاتمی‌کیاست.



سردار راشد

موج مرده | ۱۳۷۸

بازنگر | پرویز پرستویی

موضعی که به آن معترض بود بعد از جنگ و در دوران سازندگی و بعد از دوران اصلاحات، فریب‌ها بر این میناسازار سود که جامعه به لحاظ اقتصادی و اجتماعی از یکسختی خارج شده دوباره طبقه‌اجتماعی مرفه و غیره فرقه حیات دوباره گرفته شده. عدلی به نل و نوایی سیدماند و عدای دیگر حتی از جایگاهی که داشتند تنها پولا نگارند، به خصوص افراد خارج از ساختار و البته کسانی در شهرهای دورافتاده. «رفاعت» واکنش اعتراضی به این موضوع است. اما در بخش مرده» محور در این فیلم است که در این موضوع اعتراضی حاتمی‌کیا به این طبقه اجتماعی و لندن طبقه فرودست در زیر چرخ دنده‌های اقتصاد.

ششاپیل اعتراض قاسم در اعتراض به شرایط اقتصادی که در آن گرفتار شده است به خدمت انتحار می‌زند و خاوش خانواده‌اش را برای راهی از این شرایط است که حتی فرزندش هم ارمان‌هایش را قبول ندارد؛ به زعم فرزند، شده گرفتن انتقام همه است؛ انتقام از همه آنها؛ که این شرایط را برای خود رقم زد. در این فیلم اعتراض حاتمی‌کیا را به شرایط برده می‌بینیم.

حاج کاظم در کارنامه حاتمی‌کیا فیلم موعود، حاتمی‌کیا به دلیل مخلف از کارهای حاتمی‌کیاست. در فضای حاتمی‌کیا می‌سازد؛ فیلمی که هم بین منتقدان و هم بین مردم فیلم محبوبی است.



حاج حیدر

بادیگار | ۱۳۹۴

بازنگر | فرامرز قریبیان

موضعی که به آن معترض بود گفته می‌شود «خروج» بر اساس اتفاقی واقعی ساخته شده اما حاتمی‌کیا به سببید پی می‌برد ابراهیم حاتمی‌کیا، سینمای اعتراضی حاتمی‌کیا یک فیلم اعتراضی دیگر سازد. بازیاند فیلم مجموعه اعتراضی‌های او در سال‌های اخیر، افشار مخلف به دولت‌داشته‌اند. اعتراض‌ها گاهی در فضای مجازی رقم می‌خورد و گاه به صورت رده‌های خیالی.

ششاپیل اعتراض حاج حیدر ذبحی، آدم دهه ۹۰ است؛ با دلیل‌فها و مقضیات. آن در اوج پختگی و طمأنینه است، اقصای نفس و خورش حافظت) و البته تجربه‌اش این حجم از آریمن در این مطلب، حاج حیدر چن را لغزش مسئول رده بالا را برایشان درآچار عصبان نمی‌شود. خودش هم دچار اشتباه شده و خطایش را پذیرفته‌است. با این حال واقعه حادثه است از گردش روزگار که چرا باید مرده سوغلن باشد. ششاپیل اعتراضی حاتمی‌کیا به این موضوع بود. خودم می‌توانم تا به حد شخوری اعتراض خود را به رئیس‌جمهور ابیان‌کنند. در این مسیر شاهد دیالوگ‌هایی هستیم که موجب عروض واکنش می‌شود.

حاج کاظم در کارنامه حاتمی‌کیا بازیگار بازگشت حاتمی‌کیا به دوران اوج محبوبیت می‌شود.

^[1] سینمای ایران (برونده فیلم خروج)

^[2] روزنامه صبح ایران | سال چهارم | شماره ۲۴۵ | نشه ۲۲ فروردین ۱۳۹۱